

اثر ویژگی‌های شخصیتی، سواد مالی و اخلاقیات بر پیشگیری از سوء مدیریت مالی با نقش تعدیل‌گری فرهنگ سازمانی

علیرضا آذربراهمان^۱، سعید پاکدلان^۱، جلال آذربراهمان^۲، ملیحه توحیدی‌نیا^۳

^۱ دانش‌آموخته دکتری حسابداری دانشگاه مازندران و عضو هیات علمی موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی - غیردولتی شاندیز، مشهد، ایران.

^۲ دانش‌آموخته دکتری حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

^۳ دانشجوی دکتری مهندسی مالی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، ایران.

نام نویسنده مسئول:

علیرضا آذربراهمان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۳

چکیده

مدیریت، کلید موفقیت تمامی کسب و کارها است. مدیران مالی مسئولیت جذب منابع و هدایت آنها به سمت اهداف مولد را برعهده دارند. سهل‌انگاری در انجام وظایف محوله، عدم وجود کنترل‌های داخلی و نظارت مؤثر، عدم توجه جدی به قوانین و مقررات، ریسک‌پذیری افراطی، اتخاذ تصمیمات احساسی، عجولانه، نسنجیده و نامناسب در موقعیت‌های حساس، سوء استفاده از قدرت و موقعیت اجتماعی خود در جهت هدایت منابع به سمت اشخاص و شرکت‌های وابسته و در مجموع، عدم اعمال مدیریت صحیح از طرف مدیران، اصطلاحاً سوء مدیریت نامیده می‌شود. هدف این پژوهش بررسی اثر ویژگی‌های شخصیتی، سواد مالی و اخلاقیات بر پیشگیری از سوء مدیریت مالی با نقش تعدیل‌گری فرهنگ سازمانی است. جامعه آماری پژوهش شامل مدیران و مدیران مالی شرکت‌های کوچک و متوسط شهر مشهد است. برای انتخاب نمونه آماری از جدول مورگان بهره گرفته شد که در نهایت تعداد ۳۳۹ شرکت از طریق پرسشنامه دستی و آنلاین جمع‌آوری گردید. برای آزمون فرضیه‌ها از مدل معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزارهای SPSS و Lisrel استفاده گردید. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داد که بین ویژگی‌های شخصیتی و پیشگیری از سوء مدیریت مالی ارتباط مثبت معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج نشان داد بهبود سواد مالی می‌تواند بر پیشگیری از سوء مدیریت مالی مؤثر باشد. از سوی دیگر، مشخص شد بهبود در اخلاقیات می‌تواند اثر مثبتی بر پیشگیری از سوء مدیریت مالی داشته باشد. در نهایت، نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داد که فرهنگ سازمانی می‌تواند اثر تعدیلی بر رابطه بین سواد مالی، اخلاقیات و پیشگیری از سوء مدیریت مالی داشته باشد.

واژگان کلیدی: پیشگیری از سوء مدیریت مالی، ویژگی‌های شخصیتی، سواد مالی، اخلاقیات، فرهنگ سازمانی.

مقدمه

بسیاری از موارد کلاهبرداری مالی که تحت پیگرد قانونی قرار گرفته است، موارد بی‌شماری مربوط به مباحث مالی شرکت‌ها و موسسات جامعه می‌باشد. اگر چه این نوع کلاهبرداری به نسبت جدید بوده اما دارای سطح بسیار بالایی از تقلب است (مجید و همکاران^۱، ۲۰۱۴؛ ساپوترا و همکاران^۲، ۲۰۲۰). این نشان می‌دهد که اکثر شرکت‌ها و مؤسسات از سواد مالی و اخلاقیات آگاهی ندارند و در نتیجه مرتکب کلاهبرداری می‌شود (پوپولا و همکاران^۳، ۲۰۱۶). مباحث مالی شرکت‌ها باید با اولویت دادن به اصل احتیاط انجام شود، بنابراین باید نظارت دقیق‌تری برای جلوگیری از رفتارهای انحرافی از طریق سواد مالی انجام شود. سواد مالی در شرکت‌های کوچک و متوسط بدون شک بسیار وابسته به دانش کامل اصول و مفاهیم مالی (فرناندس و همکاران^۴، ۲۰۱۴)، این‌ها برنامه‌ریزی مالی، بهره‌مرب، مدیریت بدهی، تکنیک‌های پس‌انداز خوب و بینش همیشگی در حال تغییر ارزش پول است. (مورگان و لانگ، ۲۰۲۰؛ استولپر و والتر^۵، ۲۰۱۷؛ تافت و همکاران^۶، ۲۰۱۳).

انگیزه اصلی افراد برای اشتباه کردن به ویژه اشتباه عمدی مولفه نیاز است (گرون و همکاران، ۲۰۱۷؛ سایویس^۸، ۲۰۱۸). هرکسی نیازهای مادی دارد که می‌تواند نیرو محرکه‌ای برای اشتباهات باشد (اکایانی و همکاران^۹، ۲۰۲۰؛ ساپوترا و همکاران، ۲۰۲۰). اگر نیازها به معنای رسیدن به آنچه می‌خواهند باشد، افراد حاضرند برای برآوردن این نیازها دست به کلاهبرداری بزنند. ویژگی‌های شخصیتی افراد با رفتاری که هر فرد ذاتاً دارد مرتبط است. این عوامل فردی با روحیه فرد برای اشتباه کردن مرتبط خواهد بود (آریال و کرامبلی^{۱۰}، ۲۰۱۶؛ ساپوترا، موآه و همکاران، ۲۰۲۲). بی‌سوادی مالی و عدم صداقت دو عاملی هستند که می‌توانند منجر به تخلف در یک سازمان شوند. ایجاد رفتار اخلاقی و فرهنگ سازمانی قوی نیاز به نگرانی مثبت در محل کار و سواد مالی دارد (زانوچل^{۱۱}، ۲۰۰۷؛ سوچانا و ساپوترا^{۱۲}، ۲۰۲۰). روحیه پایین و فقدان سواد مالی باعث تشویق رفتار غیرصادقانه می‌شود که در نهایت به سازمان آسیب رسانده و احتمالاً نابود خواهد شد (جونز^{۱۳}، ۲۰۰۳؛ اوزون و کیلیس^{۱۴}، ۲۰۲۰).

تئوری عمل منطقی می‌تواند سواد مالی و اخلاق را توضیح دهد. در چارچوب تئوری عمل منطقی، ثبات نیات برای این نظریه ضروری است، زیرا مقاصد می‌توانند هر از گاهی تغییر کنند (نزکاتی و همکاران^{۱۵}، ۲۰۱۵). علاوه بر این، ارزیابی مقاصد یک فرد در اسرع وقت قبل از وقوع رفتار، اغلب غیرممکن یا غیرعملی است. بنابراین، هنگامی که فاصله زمانی قابل توجهی برای تحقق قصد در رفتار وجود دارد، آنگاه قصد تغییر می‌کند. به عنوان مثال، در زمینه برنامه‌ریزی در سازمان‌ها، نیات با برنامه‌ریزی سواد مالی نشان داده می‌شود. مقاصد در این زمینه سازمانی معمولاً بیشتر به بخش‌ها یا جمعیت‌های درون سازمان مربوط می‌شود، نه در سطح فردی. بنابراین، در بافت سازمانی، یک مکانیسم سیستم کنترل فردی مورد نیاز است (اخلاق) که می‌تواند برای کنترل و اطمینان از تحقق این اهداف در رفتار مورد استفاده قرار گیرد (هورمنیا و پاشکو^{۱۶}، ۲۰۱۲).

چندین نتیجه تحقیقاتی تعریف مشابهی از تقلب و خطا ارائه می‌دهند. در این میان تقلب بر اساس زمینه رفتاری عمدی و با انگیزه انجام می‌شود. با این حال، ناآگاهی یا فقدان اطلاعات می‌تواند منجر به رفتار نادرست ناخواسته شود (غزالی و همکاران^{۱۷}، ۲۰۱۴؛ مجید و همکاران، ۲۰۱۴). یافته‌های متناقضی در تحقیقات در مورد سوء مدیریت مالی در شرکت‌ها و سازمان‌ها یافت شده

¹ Majid et al.

² Saputra et al.

³ Popoola et al.

⁴ Fernandes et al.

⁵ Stolper & Walter

⁶ Taft et al

⁷ Groen et al.

⁸ Suebvises

⁹ Ekayani et al.

¹⁰ Ariall & Crumbley

¹¹ Knechel

¹² Sujana & Saputra

¹³ Jones

¹⁴ Uzun & Kilis

¹⁵ Nezakati et al

¹⁶ Horomnea & Paşcu

¹⁷ Ghazali et al

است. لیدیه^{۱۸} (۲۰۱۸) دریافت که وقوع سوء مدیریت مالی در شرکتها و سازمانها به طور مثبت تحت تأثیر دانش سواد مالی است. با این حال، مورگان و لانگ^{۱۹} (۲۰۲۰) بیان کردند که سواد مالی در جلوگیری از تقلب مالی مهم نیست. تفاوت در نتایج مطالعات قبلی با ارائه جنبه‌های جدید یا بررسی مجدد همان متغیرها برای پاسخ به تناقضات در نتایج تحقیقات قبلی به شکافی برای آخرین تحقیقات در زمینه مالی تبدیل شده است بنابراین انجام این پژوهش ضروری به نظر می‌رسد. بر اساس نتایج مطالعات قبلی اندازه‌گیری سوء مدیریت مالی با استفاده از شاخص‌های تقلب (ایکایانی و همکاران، ۲۰۲۰). تحقیقات در مورد سوء مدیریت مالی تاکنون تنها با استفاده از روش‌های کیفی مورد مطالعه قرار گرفته است. با این حال، این پژوهش سعی دارد با استفاده از روش‌های کمی، با ایجاد شاخص‌هایی بر اساس مفهوم سوء رفتار در مدیریت مالی، به بررسی آن بپردازد.

تحقیقات در مورد تأثیر اخلاق در جلوگیری از سوء مدیریت مالی شرکتها و سازمانها نتایج متفاوتی را گزارش کرده است. اخلاق تأثیر بسزایی در پیشگیری از تقلب مالی دارد (بالان و ناک^{۲۰}، ۲۰۱۲). در عین حال، هاجز و سولماسی^{۲۱} (۲۰۱۳) بیان می‌کنند که اخلاق هیچ ارتباطی با تقلب ندارد، تا زمانی که اخلاق بر یک زندگی مدیریت شده تأثیری نداشته باشد. با این حال، در تحقیقات استار^{۲۲} (۲۰۰۵) به این نتیجه رسید که اخلاق هیچ ارتباطی با اشتباه شخص در مدیریت مالی ندارد. نتایج مطالعات قبلی هنوز با آزمون مجدد متغیرهای مشابه در جمعیت‌های مختلف، شکاف‌هایی را برای تحقیقات بیشتر باقی می‌گذارد. در مطالعات قبلی، تحقیقات اخلاقی و کلاهبرداری مالی بر زمینه مؤسسات دولتی، بانکها و سایر سازمان‌های انتفاعی متمرکز بود (ماریا و بلوتو^{۲۳}، ۲۰۱۴؛ فورنلافاتراچاکورن و پیمان^{۲۴}، ۲۰۲۰). این مطالعه به بررسی تأثیر مولفه‌های ویژگی‌های شخصیتی، سواد مالی و اخلاقیات بر پیشگیری از سوء مدیریت مالی در شرکت‌های کوچک و متوسط شهر مشهد می‌پردازد، که مطالعه آن مهم است، زیرا دولت بمنظور حمایت از تولید و اشتغال‌زایی، امتیازات زیادی را به شرکتها اعطا می‌کند با این امید که توسعه از شرکت‌های کوچک و متوسط پیشرفته آغاز شود.

سوء مدیریت‌هایی که در شرکتها و مؤسسات اتفاق می‌افتد، کارکرد واسطه‌ای سازمان را مختل می‌کند، به طوری که دستیابی به اهداف از عملکرد آن دشوار خواهد بود. در پیشگیری سوء مدیریت برای بهبود عملکرد، حفظ منافع ذینفعان و افزایش انطباق با قوانین و مقررات و ارزش‌های اخلاقی (منشور رفتاری) که به طور کلی در مورد شرکتها و مؤسسات اعمال می‌شود، انجام اصلاح فرهنگ سازمانی الزامی است (فورنلافاتراچاکورن و پیمان، ۲۰۲۰). شرکتها و مؤسسات یکی از سازمان‌های بخش عمومی است که خدمات ارائه می‌کند، به طوری که در عملیات آن فرهنگ سازمانی به عنوان پیشگیری از سوء مدیریت در جهت حکمروایی خوب بسیار مهم است (ساپوترا و همکاران، ۲۰۲۱). فرهنگ سازمانی در این بحث بیشتر به سمت فرهنگی است که بتواند از سوء مدیریت جلوگیری کند. این پژوهش شرکت‌های کوچک و متوسط را مورد بررسی قرار می‌دهد. از آنجایی که شرکت‌های کوچک و متوسط مقدار نه چندان زیادی از منابع مالی را دریافت می‌کنند و به طور کلی با کمبود پرسنل واجد شرایط برای مدیریت امور مالی مواجه هستند، گمان می‌رود که تخلفات مدیریت مالی بالایی در آنها رخ دهد.

این پژوهش به دنبال راهکارهایی است که بتواند بهبود در تصمیمات مالی و جلوگیری از رخدادهای نامطلوب در این زمینه ایجاد نماید. در واقع بررسی می‌شود که آیا افراد با ویژگی‌های شخصیتی متفاوت و مسائل اخلاقی گوناگون چه توانایی‌هایی در پیشگیری از تصمیمات مدیریت مالی نادرست دارند. با انجام این پژوهش می‌توان به ارتقاء آگاهی نسبت به موضوع سوءمدیریت مالی کمک کرد. در واقع سوء مدیریت مالی به وضعیتی اشاره دارد که در آن تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات مالی در سازمان یا فرد به نحوی انجام می‌شوند که منجر به عواقب منفی و نامطلوب مالی می‌شوند. این عواقب می‌تواند شامل ضررهای مالی، کاهش سودآوری، افت اعتبار و شهرت شرکت، افزایش بدهی و حتی بروز مشکلات قانونی گردد. سوءمدیریت مالی ممکن است ناشی از تصمیمات نادرست، عدم برنامه‌ریزی مناسب، نقص در مدیریت ریسک‌ها، نقص در پیگیری اطلاعات مالی یا نقص در اعمال اصول

¹⁸ Lidyah

¹⁹ Morgan and Long

²⁰ Balan &Knack

²¹ Hodges and Sulmasy

²² Starr

²³ Maria & Bleotu

²⁴ Phornlaphatrachakorn & Peemaneec

اخلاقی در تصمیم‌گیری‌های مالی باشد. این وضعیت می‌تواند به شکل مؤثری عملکرد کلی سازمان را به ویژه در مؤسسات کوچک و متوسط تحت تأثیر قرار دهد و به عدم بهره‌وری، عدم پایداری و خسارات مالی منجر شود. مهمترین سؤالی که این پژوهش به دنبال رسیدن به پاسخی مناسب برای آن است این می‌باشد که آیا ویژگی‌های شخصیتی، سواد مالی و اخلاقیات در سازمان می‌تواند بر پیشگیری از این سوء مدیریت اثرگذار باشد یا خیر. همچنین بررسی می‌شود که آیا فرهنگ سازمانی می‌تواند این روابط را تحت تأثیر قرار دهد یا خیر.

مبانی نظری پژوهش

اخلاقیات در پیشگیری از سوء مدیریت مالی به مجموعه اصول، قوانین و ارزش‌های اخلاقی اشاره دارد که در رفتار و تصمیمات مالی فرد یا سازمان تأثیرگذار است. این ارزش‌ها و اصول اخلاقی بر مبنای انصاف، صداقت، شفافیت، مسئولیت‌پذیری و احترام به منافع و حقوق دیگران استوار می‌شوند. اخلاقیات در پیشگیری از سوء مدیریت مالی به اشکال مختلف تأثیر می‌گذارند. اول، ارزش‌های انصاف و صداقت که فرد یا سازمان در رابطه با مدیریت مالی باید اصول عدالت و صداقت را رعایت کنند. این شامل انصاف در توزیع منابع مالی، رعایت قوانین مالی و اعلام درست و صحیح اطلاعات مالی است. دوم، شفافیت است به این صورت که اصل شفافیت در مدیریت مالی بر مبنای ارائه اطلاعات صحیح، دسترسی عمومی به اطلاعات مالی و شفافیت در تصمیم‌گیری‌های مالی قرار دارد. این اصل از جانب کارکنان، مدیران و سازمان به خوبی رعایت شده و مشکلات احتمالی را زودتر شناسایی می‌کند. سوم، مسئولیت‌پذیری که افراد و سازمان‌ها باید مسئولیت و تعهد خود را در قبال مدیریت مالی به درستی بپذیرند. این شامل تأمین وفاداری به تعهدات مالی، حسابرسی مناسب و تعامل مسئولانه با سایر ذینفعان است. در نهایت، احترام به منافع و حقوق دیگران است. در مدیریت مالی، احترام به منافع و حقوق سایر ذینفعان شامل کارکنان، سهامداران، مشتریان و جامعه است. این اصل بر رعایت نیازها و منافع این افراد استوار است (ساپوترا و همکاران، ۲۰۲۱).

سوء مدیریت مالی در شرکتهای کوچک و متوسط عمدتاً ناشی از واقف نبودن به اهمیت علم مدیریت مالی در یک سیستم است. از سوی دیگر انتخاب افراد ناشایست با خصوصیات اخلاقی و شخصیتی ضعیف و غیرمتخصص زمینه را برای بروز بحران فراهم آورده و در صورت استمرار، باعث ورشکستگی و فروپاشی واحد تجاری می‌شود. پس ضروری است که مدیران با دقت، هوشیاری و تیزبینی، بصورت منظم، مستمر و هدفدار زمینه را برای ایجاد یک محیط تجاری سالم و مقتدر فراهم آورند تا همواره در خدمت رشد و اعتلای اقتصادی جامعه باشد (فرناندیتیا و موسلیچا^{۲۵}، ۲۰۲۰). مدیریت مالی یک علم است و کسی که دارنده این علم نیست نمی‌تواند در این زمینه مدیر موفقی باشد، علم باوری، یکی از وجوه تمایز ملل پیشرفته نسبت به ملل کمتر توسعه یافته است. مدیران و مسئولان کشور ما علاوه بر اینکه این باور را ندارند؛ بلکه در نهایت سماجت و جسارت، غیرتحصیل کردگان رشته مدیریت مالی را وارد این کار می‌کنند. این جسارت ناشی از ندانستن و فقدان باور به علم بودن مدیریت مالی است و همین موارد باعث ایجاد سوء مدیریت می‌گردد (محمدزاده و همکاران، ۱۳۹۹).

به طور کلی سوء مدیریت شامل موارد زیر است:

سوء مدیریت فنی یا تخصصی که عموماً زمانی اتفاق می‌افتد که یک شرکت یا واحد تجاری به تازگی تأسیس شده و مدیریت آن نوباست؛ کنترل و مدیریت یک شرکت به سهام‌داران و مدیران جدید منتقل شده است؛ مدیریت یک شرکت توانایی برنامه‌ریزی جهت پاسخ‌گویی به تغییرات و بهبود اوضاع را ندارد و یا اتخاذ سیاست‌ها و رویه‌های نامناسب و ناقص نیز به نوبه خود باعث بروز سوء مدیریت فنی می‌شود. در اثر سوء مدیریت فنی و دیگر عوامل خرد و کلان اقتصادی، شرکت‌ها و واحد تجاری با وضعیتی مواجه می‌شوند که در آن بواسطه زیان‌های پنهان و کاهش محسوس سود، حقوق صاحبان سهام بطور قابل توجهی تضعیف می‌شود (فورنلافاتراچاکورن و پیمانی، ۲۰۲۰).

مدیریت آرایشی عبارت است از پنهان کردن ضرر و زیان گذشته و جاری یک شرکت به منظور ایجاد فرصت زمانی کافی جهت یافتن راه حل‌های مناسب در راستای کنترل و بهبود اوضاع. صورتحساب سود و زیان وارونه، رایج ترین روشی است که برای پنهان کردن وضعیت مالی واقعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در یک صورتحساب سود و زیان عادی، اولین عنصر «درآمد» و

آخرین عنصر «سود سهام قابل تخصیص» است. در واقع سود قابل تخصیص نتیجه جمع و تفریق تمامی اقلام میان درآمد و سود قابل تخصیص است. ولی زمانی که سود به خطر می‌افتد، مدیران به این نتیجه می‌رسند که دیگر نباید آن را به عنوان یک عنصر متغیر در نظر بگیرند. بلکه سود به عنوان یک عنصر ثابت در نظر گرفته می‌شود و بدون توجه به واقعیت‌های موجود و از طریق دستکاری در اعداد و ارقام (حساب‌سازی) بقیه اقلام صورتحساب مشخص می‌شود. با این روش، مدیران بصورت آگاهانه بخشی از سرمایه و حقوق صاحبان سهام را بمنظور ایجاد و یا حفظ یک تصویر خوب از شرکت فدا می‌کنند. از دیدگاه تحلیل‌گران آگاه و حرفه‌ای، چنین رویدادی به هیچ عنوان قابل قبول نیست. مشکل بعدی زمانی پیش می‌آید که سود توزیع نشده تکافوی تأمین سود قابل توزیع از قبل تعیین شده را نمی‌دهد. در این حالت، تنها راه پیش روی مدیران این است که با دستکاری ارقام و حساب‌سازی، سود خالص را افزایش دهند. معمولاً برای رسیدن به این هدف متأسفانه از روش‌های زیر مانند وضعیت را همیشه سبز جلوه دادن^{۲۶}، جابجایی وام‌ها در سرفصل مطالبات غیرجاری به سرفصل جاری، ارزیابی مجدد دارایی‌ها، شناسایی و ثبت اقلام درآمدی قبل از شناسایی و ثبت اقلام هزینه‌ای و استفاده می‌کنند (مورگان و لانگ، ۲۰۲۰).

مدیریت درماندگی نشانگر وضعیتی است که در آن شرکت‌ها خودشان را در معرض خطر اعلام ضرر و زیان (پرداخت هیچ‌گونه سودی به سهامداران) و یا پرداخت سود کمتر به آنان می‌یابند. در این وضعیت، علاوه بر اینکه واحد تجاری به استفاده از مدیریت آرایشی روی می‌آورند، بلکه به دنبال راه‌های دیگری هستند تا با ایجاد فرصت‌های جدید، وضعیت نامطلوب بوجود آمده را بتدریج بهبود بخشند. زمانی که عواملی همچون نابسامانی اوضاع اقتصادی، رقابت شدید و یا سوء مدیریت فنی باعث ایجاد مطالبات غیرجاری و تحمیل ضرر و زیان می‌شود، شرکت‌ها به دنبال گزینه‌های دیگری جهت کسب درآمد می‌گردند. از نمونه بارز این نوع فعالیت‌ها می‌توان خرید ملک در دوران تورم با این امید که قیمت‌ها بالاتر خواهد رفت و از محل فروش املاک خریداری شده با قیمت بالاتر سود حاصل خواهد شد. خرید زمین جهت احداث ملک - خرید سهام به امید کسب سود خوب در کوتاه مدت؛ اما متأسفانه اکثر اوقات به دلیل تغییرات ناخواسته در روندهای بازار و همچنین محاسبات نادرست، سود مورد پیش‌بینی تحقق پیدا نمی‌کند (گرون و همکاران، ۲۰۱۷).

فربکاری یا تقلب شکل دیگری از سوء مدیریت است که باعث ایجاد ضرر و زیان در شرکت‌های کوچک و متوسط می‌شود. اصولاً، فربکاری را بخشی از مدیریت آرایشی، قلمداد می‌کنند. چرا که از این روش برای پنهان کردن حقیقت استفاده می‌شود. فربکاری رویدادی است مخرب که معمولاً در پایان کار معلوم می‌شود و با ظهور خود، یک مدیر خوب و موفق را به یک مدیر ناموفق، سهل‌انگار و بد تبدیل می‌کند هنگامی که یک شرکت در آستانه ورشکستگی و فروپاشی قرار می‌گیرد، سهام‌داران به این نتیجه می‌رسند که دیگر پایان کار فرا رسیده و وسوسه می‌شوند که به نحوی پول را از مجموعه خارج کنند. آسان‌ترین کار برای انجام این کار، اعطای تسهیلات به اشخاص و شرکتهای وابسته به خود آنها است (محمدزاده و همکاران، ۱۳۹۹).

ویژگی‌های شخصیتی و پیشگیری از سوء مدیریت مالی

ویژگی‌های شخصیتی به عنوان ویژگی‌های روحی و رفتاری فرد می‌توانند تأثیر بسزایی بر رفتارهای مالی و تصمیم‌گیری‌های مدیریت مالی داشته باشند. ویژگی‌های شخصیتی مانند توانایی تحمل ریسک، انعطاف‌پذیری و استقامت می‌توانند تأثیر مهمی بر تصمیم‌گیری‌های مالی داشته باشد. فرد با ویژگی‌های شخصیتی قوی‌تر ممکن است با مواجهه با فرصت‌ها و تهدیدهای مالی، بهترین تصمیمات را اتخاذ کند و پیشگیری از سوء مدیریت مالی به صورت زیر است:

نظریه ویژگی‌های شخصیتی: این نظریه از ویژگی‌های شخصیتی به عنوان ویژگی‌های پایدار و روحی فرد تعبیر می‌کند که تأثیر مهمی بر رفتارها و تصمیم‌گیری‌های افراد دارند. ویژگی‌هایی مانند توانایی تحمل ریسک (به عنوان مثال میزان کمال‌گرایی یا پرخاشگری) و انعطاف‌پذیری (مانند تغییرپذیری یا ثبات) می‌توانند در پیش‌بینی رفتارهای مالی و تصمیم‌گیری‌های مدیریت مالی مؤثر باشند (جلیتانو ویرانا و همکاران، ۲۰۲۳).

نظریه تصمیم‌گیری مالی: این نظریه معتقد است که ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند بر تصمیم‌گیری‌های مالی تأثیرگذار باشند. فرد با ویژگی‌های شخصیتی قوی در تحمل ریسک ممکن است تمایل بیشتری به سرمایه‌گذاری در فرصت‌های مالی داشته باشد و از اقدامات نادرست در مدیریت مالی جلوگیری کند (ژیل و همکاران، ۲۰۲۳).

نظریه اختیار شناختی: این نظریه معتقد است که افراد تمایل دارند که تصمیمات خود را با ویژگی‌های شخصیتی و اعتقادات خود هم‌خوان کنند. اگر تصمیمات مالی فرد با ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقیاتش همخوانی داشته باشد احتمال پیشگیری از سوء مدیریت مالی افزایش می‌یابد (مورگان و لانگ، ۲۰۲۰).

نظریه اخلاقیات مالی: ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند بر اخلاقیات مالی افراد تأثیرگذار باشند. افرادی که ویژگی‌های شخصیت اخلاقی و مسئولیت‌پذیری بالا دارند احتمالاً در تصمیم‌گیری‌های مالی خود از سوء مدیریت مالی بکاهدند و به عملکرد اخلاقی خود توجه کنند (فورنلافاتراچاکورن و پیمانی، ۲۰۲۰).

سواد مالی و پیشگیری از سوء مدیریت مالی

ارتباط بین سواد مالی و پیشگیری از سوء مدیریت مالی با توجه به نظریه‌های زیر تبیین می‌گردد.

نظریه تصمیم‌گیری مالی: این نظریه تأکید دارد که دسترسی به اطلاعات و سواد مالی مناسب می‌تواند تصمیم‌گیری‌های مالی را بهبود بخشد. افراد با سواد مالی بالا ممکن است بهتر بفهمند که تصمیمات مالی نادرست چه تأثیری بر زندگی خود خواهد داشت و از پیشگیری سوء مدیریت مالی جلوگیری کنند (جلیتانوویرانا و همکاران، ۲۰۲۳).

نظریه اقتصاد رفتاری: این نظریه به بررسی رفتارهای مالی- انسانی و تأثیر عوامل روان‌شناختی بر تصمیم‌گیری‌های مالی می‌پردازد. سواد مالی می‌تواند افراد را آگاه‌تر از تأثیرات عوامل روان‌شناختی مانند تعداد راه‌کارهای مختلف در تصمیم‌گیری‌های مالی کند و از تصمیمات نادرست در مدیریت مالی پیشگیری کند (گرون و همکاران، ۲۰۱۷).

نظریه نگرش به پول: این نظریه معتقد است که نگرش و اعتقادات فردی نسبت به پول تأثیرگذار بر تصمیمات مالی افراد است. سواد مالی می‌تواند نگرش و اعتقادات نسبت به مدیریت مالی صحیح را تقویت کرده و از سوء مدیریت مالی جلوگیری کند (فورنلافاتراچاکورن و پیمانی، ۲۰۲۰).

نظریه اثرگذاری آموزش و آگاهی: این نظریه بر اهمیت آموزش در بهبود تصمیم‌گیری‌های مالی تأکید دارد. آموزش‌ها و برنامه‌های مرتبط با افزایش سواد مالی می‌توانند افراد درک بهتری از مسائل مالی بدهند و از اشتباهات در مدیریت مالی جلوگیری کنند (مورگان و لانگ، ۲۰۲۰).

اخلاقیات و پیشگیری از سوء مدیریت مالی

ارتباط بین اخلاقیات و پیشگیری از سوء مدیریت مالی، مرتبط با نظریه‌های زیر است:

نظریه اخلاق کاری: این نظریه به مطالعه اصول و ارزش‌های اخلاقی در محیط کار و تصمیم‌گیری‌های کسب و کار می‌پردازد. اخلاقیات می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از سوء مدیریت مالی ایفا کند، زیرا ارزشها و اصول اخلاقی می‌توانند راهنمای تصمیم‌گیری مالی باشد و از عملکرد غیرقانونی یا نادرست جلوگیری کند (جلیتانوویرانا و همکاران، ۲۰۲۳).

نظریه اخلاقیات مالی: این نظریه به بررسی اخلاقیات در تصمیم‌گیری‌های مالی افراد و سازمانها می‌پردازد. افراد و سازمان‌هایی که از اصول اخلاقی در تصمیم‌گیری‌های مالی خود پیروی می‌کنند. احتمالاً از سوء مدیریت مالی کاسته و تصمیمات مالی خود را با توجه به مصلحت عمومی و عدالت اجتماعی می‌گیرند (ژیل و همکاران، ۲۰۲۳).

نظریه اخلاق حرفه‌ای: این نظریه به بررسی اخلاقیات در حوزه‌های حرفه‌ای و مالی می‌پردازد. اخلاق حرفه‌ای می‌تواند تصمیمات مالی را در راستای پیشگیری از سوء مدیریت مالی به اجرای اصول اخلاقی در کارهای مالی و حسابداری تشویق کند (فورنلافاتراچاکورن و پیمانی، ۲۰۲۰).

نظریه اختیار شناختی: این نظریه بر این اساس است که افراد تمایل دارند که تصمیمات خود را با اعتقادات و ارزش‌های خود هم‌سو کنند. اگر اخلاقیات شخصی افراد با تصمیمات مالی نادرست و نااخلاقی در تضاد باشند، این تضاد ممکن است افراد را به پیشگیری از سوء مدیریت مالی تشویق کند (گرون و همکاران، ۲۰۱۷).

پیشینه پژوهش

شفیعی ورزنه و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی به تأثیر سواد مالی در توسعه اقتصادی پرداختند. اهداف توسعه اقتصادی افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه (ریشه کنی فقر) و ایجاد اشتغال است که هر دو در راستای عدالت اجتماعی است. افزایش ظرفیت‌های تولیدی مانند ظرفیت‌های انسانی، اجتماعی و تغییرات بنیادین در اقتصاد، علت اصلی توسعه اقتصادی می‌باشد. مفهوم توسعه اقتصادی با مفهوم رشد اقتصادی از جنبه‌هایی با هم متفاوت هستند. در این مقاله به زبان ساده، نقش سواد مالی در توسعه اقتصادی، اهمیت آن و کاربردهای مرتبط بیان می‌شود.

تاجمیر ریاحی و هدایت زاده (۱۴۰۲) در پژوهشی تحت عنوان شناسایی و اولویت‌بندی راهکارهای ارتقای سواد مالی در بازار سرمایه ایران پرداختند. هدف اصلی این پژوهش شناسایی و اولویت‌بندی راهکارهای ارتقاء سواد مالی در بازار سرمایه ایران است. جامعه آماری پژوهش خبرگان و صاحب نظران و فعالان حوزه بازار سرمایه هستند. به منظور توصیف یافته‌ها، از جداول و نمودارهای فراوانی و به منظور توصیف بهتر داده‌ها از شاخص‌های مرکزی و همچنین شاخص‌های پراکندگی و جهت آزمون فرضیه‌ها از تحلیل عاملی و آزمونهای تی استودنت و فریدمن استفاده شده است. مهمترین نتایج به دست آمده در این پژوهش نشان می‌دهد سه متغیر تغییر نگرش مالی، تغییر رفتار مالی و ارتقای دانش مالی به ترتیب دارای میانگین رتبه بیشتری هستند و به عنوان مهمترین راهکارهای ارتقا سواد مالی در بازار سرمایه هستند.

غلامی (۱۳۹۹) در پژوهشی در مورد نقش متغیرهای رفتاری در سوء مدیریت و ناکارآمدی مدیران دولتی پرداخت، وی بیان نمود که متغیرهای رفتاری به عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل اثرگذار بر مدیریت دولتی شناخته می‌شود. نتایج پژوهش وی نشان داد که مهمتری متغیرهای رفتاری که به سوء مدیریت و ناکارآمدی مدیران منجر می‌شود، شامل تعارض منافع، وابستگی آنها به احزاب خاص، منافع کوتاه مدت انتخاباتی و فقدان نگاه راهبردی و بلند مدت برای مدیریت است. در واقع افراد به دلیل توجه به چنین متغیرهایی، وظایف مدیریتی خود را به درستی انجام نمی‌دهند که نتیجه چنین اقدامی سوءمدیریت و ناکارآمدی است که امروزه در بسیاری از سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی، خصوصی و حکومتی ناکارآمدی مدیران به وضوح مشاهده می‌شود. از آنجا که حجم دولت در اقتصاد ایران بسیار گسترده بوده و حفظ امنیت به عنوان مهم‌ترین کالای عمومی، به لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر عهده دولت است، راهکارهایی برای اصلاح شیوه مدیریتی مدیران ارائه داد که برخی از آنها عبارت‌اند از: ممنوعیت فعالیت مدیران دولتی در شرکت‌های دولتی، خصوصی و خصوصی، کنترل و نظارت بر برنامه‌های مدیریتی سازمان‌ها، نظارت بر تأثیرگذاری نظرات بخش خصوصی و نحوه انتصاب مدیران دولتی و تطابق آن با شاخص‌های شایسته سالاری.

سارا و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان سواد مالی، اخلاقیات و فرهنگ سازمانی در پیشگیری از سوء مدیریت مالی: مطالعه‌ای بر روی دولت‌های محلی اندونزی پرداختند و رابطه بین متغیرهای سواد مالی، اخلاق، فرهنگ سازمانی و پیشگیری از سوء مدیریت مالی مورد تحلیل قرار دادند. اصالت این تحقیق در ادغام عوامل فرهنگی در بافت سازمانی و تلاش برای جلوگیری از سوء مدیریت مالی است که به ندرت مورد توجه محققین قرار می‌گیرد. طرح تحقیق با تکنیک‌های پیمایش بر اساس فلسفه کمی. نمونه انتخاب شده برای نشان دادن جامعه از روش نمونه‌گیری تصادفی متناسب استفاده می‌کند. تکنیک‌های گردآوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه ساختاریافته می‌باشد.

جلیتانو ویرانا و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان سواد مالی و تصمیمات تخصیص منابع باننشستگان در نیوزلند نشان دادند توانایی کشورها برای حمایت از جمعیت سالخورده خود و تأمین مالی افزایش تعداد باننشستگان یک مشکل نگران‌کننده است (مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۸). نیوزلند نیز از این قاعده مستثنی نیست، تأکید روزافزون بر مسئولیت فردی برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری باننشستگی به این معنی است که سواد مالی فردی از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است. آنها به بررسی رابطه بین FL، اضطراب بدهی، تحمل ریسک، و تصمیمات متعاقب تخصیص منابع نیوزلندی‌های مسن پرداختند و به بررسی نوع تخصیص منابعی که افراد مسن‌تر ترجیح می‌دهند و اینکه آیا تخصیص انتخاب شده مزایای کوتاه مدت یا بلند مدت برای افراد مسن فراهم می‌کند. در این پژوهش نحوه رتبه‌بندی باننشستگان جایگزین‌های مصرف (عمومی، بهداشتی یا لوکس)، مالی (پول بانکی، خرید سهام، کاهش بدهی)، سرمایه‌گذاری مسکن (سپرده املاک یا سرمایه‌گذاری یا بهسازی خانه)، وصیت (دادن پول به اعضای خانواده) و انگیزه‌های بشردوستانه (اهدا) بود.

ژیل و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان سواد مالی میانجی اثر بین هوش کلامی و اضطراب مالی است نشان داد که اضطراب مالی می‌تواند بر تصمیم‌گیری مالی تأثیر منفی بگذارد. از لحاظ نظری، دانش به کاهش استرس در تصمیم‌گیری کمک می‌کند. با این حال، نتایج تجربی ارتباط بین سواد مالی (دانش از اصطلاحات و مفاهیم مالی) و اضطراب مالی ناسازگار است، علاوه بر این، هوش شناختی و سواد مالی به طور مثبت همبستگی دارند، که نشان می‌دهد هر اثری بین سواد مالی و اضطراب مالی ممکن است توسط هوش، ساختاری که برای تسهیل حل مسئله شناخته شده است، به حساب بیاید. معیارهای هوش کلامی (واژگان و استدلال کلامی)، سواد مالی و اضطراب مالی برای یک نمونه ۵۵۳ بزرگسال اجرا شد. واژگان و استدلال کلامی به طور مثبت با سواد مالی مرتبط بودند، با این حال، تنها واژگان مرتبط با سواد مالی منحصر به فرد بودند. علاوه بر این، در حالی که واژگان و سواد مالی با اضطراب مالی همبستگی منفی داشتند، تأثیر بین واژگان و اضطراب مالی به طور کامل توسط سواد مالی، کنترل تحصیلات و سن واسطه شد. نتیجه این پژوهش این بود که به نظر می‌رسد سواد مالی مستقل از تأثیرات هوش کلامی، تحصیلات رسمی و سن، تأثیر مستقیمی بر اضطراب مالی دارد و از سودمندی بالقوه آموزش سواد مالی حمایت می‌کند.

کوی لینگ و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان تعامل بین سواد مالی، تحمل ریسک مالی و رفتار مالی: اثر تعدیل کننده هوش هیجانی پرداختند که تأثیر سواد مالی بر رفتار مالی سرمایه‌گذاران فردی و همچنین بررسی نقش واسطه‌ای تحمل ریسک مالی و تأثیر تعدیل کننده هوش هیجانی انجام می‌شود. روش‌ها: این مطالعه داده‌های با تأخیر زمانی را از ۳۸۹ سرمایه‌گذار مستقل مالی از مؤسسات آموزشی پیشرو در پاکستان جمع‌آوری می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که سواد مالی به طور قابل توجهی بر رفتار مالی سرمایه‌گذاران فردی تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، تحمل ریسک مالی تا حدی رابطه بین سواد مالی و رفتار مالی را واسطه می‌کند. علاوه بر این، این مطالعه نقش تعدیل کننده معنادار هوش هیجانی را در رابطه مستقیم بین سواد مالی و تحمل ریسک مالی و یک رابطه غیرمستقیم بین سواد مالی و رفتار مالی نشان داد.

اف.آ. شیخ (۲۰۲۰)، در پژوهشی با نام سوءمدیریت مالی: علت اصلی گرانی زمان و هزینه در پروژه های ساخت و ساز بزرگ در پاکستان را مورد بررسی قرار داد. یکی از مسائل مهم و شناخته شده برای اکثر پروژه های ساختمانی مانند ساختمان ها، جاده ها، پل ها، فرودگاه ها و بسیاری از پروژه های دیگر در سراسر جهان، مزاد بر زمان و هزینه است. قیمت گذاری پروژه و تاخیر در دوره زمانی نیز مسائل مهمی هستند. این تحقیقات با در نظر گرفتن پروژه های ساخت و ساز بزرگ در استان های پاکستان، به بررسی مولفه های مختلف کنترل و تسلط بر زمان و هزینه بیش از حد می‌پردازد. در مجموع ۲۹ عامل از کار ادبیات شناسایی شد و یک پرسشنامه طراحی و بین ۱۶۰ پاسخ دهنده توزیع شد. کلیه داده های جمع آوری شده با استفاده از روش شاخص میانگین مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. عوامل با ارزش بیش از ۳.۶ به عنوان عوامل اصلی هزینه و زمان بیش از حد انتخاب شدند و پنج عامل برای عبور از این مانع آشکار شد. بیش از حد زمان و هزینه یکی از مهمترین مسائل سوء مدیریت مالی در اقتصاد پاکستان است. این مطالعه برای دینفعان برای کنترل هزینه و زمان بیش از حد در پروژه های ساخت و ساز بزرگ پاکستان مفید خواهد بود.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر است:

- ۱) ویژگی‌های شخصیتی بر پیشگیری از سوء مدیریت مالی تأثیر معناداری دارد.
- ۲) سواد مالی بر پیشگیری از سوء مدیریت مالی تأثیر معناداری دارد.
- ۳) اخلاقیات بر پیشگیری از سوء مدیریت مالی تأثیر معناداری دارد.
- ۴) فرهنگ سازمانی رابطه بین اخلاقیات و پیشگیری از سوء مدیریت مالی را تعدیل می‌کند.
- ۵) فرهنگ سازمانی، رابطه بین سواد مالی و پیشگیری از سوء مدیریت مالی را تعدیل می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

هدف اصلی پژوهش بررسی اثر ویژگی‌های شخصیتی، سواد مالی و اخلاقیات در پیشگیری از سوء مدیریت مالی است. جامعه آماری پژوهش شامل مدیران عامل و مدیران مالی و رؤسای حسابداری شرکت‌های کوچک و متوسط شهر مشهد برای دوره زمانی ۱۴۰۲ می‌باشد. با توجه به اعلام سایت شرکت شهرک‌های صنعتی شهر مشهد تعداد ۲۵۶۹ شرکت فعال در شهرک‌های صنعتی و نواحی صنعتی خراسان رضوی وجود دارد که بر اساس جدول مورگان حجم نمونه شامل ۳۳۹ شرکت می‌باشد که این شرکت‌ها به روش آسان در دسترس انتخاب می‌شوند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استاندارد سارا و همکاران (۲۰۲۳) استفاده گردید. سوالات پرسشنامه شامل ۲۲ سوال به صورت طیف لیکرت از خیلی زیاد تا خیلی کم می‌باشد. سوالات پرسشنامه به صورت جدول (۱) است:

جدول (۱) مولفه‌ها و سوالات پرسشنامه

شرح سوال	پیشگیری از سوء مدیریت مالی (PFM)
شرکتی که در آن کار می‌کنم دارای یک ساختار سازمانی مطلوب است که برای جلوگیری از سوء مدیریت و ایجاد شفافیت در فرآیندهای مالی موثر است.	الگوی ساختار سازمانی مناسب
مدیران و کارکنان به اندازه کافی در تصمیم‌گیری‌های مالی با مدیریت ارشد مشارکت می‌کنند و به روحیه مدیریتی مثبت تعهد دارند.	تمرکز بر مدیریت و کارآمدی
در شرکت یکنواختی بین بخشهای مختلف وجود دارد به نحوی که روشها و رویه های کاری یکسانی برای همه بخشها تعیین شده است.	یکنواختی در روشها و رویه های کاری بین بخشهای مختلف
نظارت و بازرسی موثری بر روی عملکردهای مالی انجام می‌شود تا از سوء مدیریت مالی جلوگیری شود.	نظارت موثر
هماهنگی موثر بین بخشهای مختلف شرکت وجود دارد تا از تداخلها و اشتباهات مالی جلوگیری شود.	هماهنگی موثر بین بخشها
اهداف و چشم اندازهای شرکت به طور دقیق و کامل تعریف شده است و توسط کلیه کارکنان درک شده است.	تطابق چشم انداز و اهداف سازمانی
شرح سوال	سواد مالی (FL)
با مفاهیم پایه ای مدیریت مالی مانند تجزیه و تحلیل صورتهای مالی، ارزش زمانی پول، بودجه بندی و بودجه بندی سرمایه‌ای، مدیریت سرمایه در گردش و ... آشنایی دارم.	دانش پایه ای مدیریت مالی
با مفاهیم مدیریت اعتباری شامل روشهای تامین مالی، هزینه سرمایه، ریسک‌های تامین مالی و مانند آن آشنا هستم.	مدیریت اعتباری
روش‌های مرتبط با پس انداز را آموخته ام یا از طریق تجربه کسب کرده‌ام.	یادگیری پس انداز
با روش‌های مدیریت سرمایه گذاری شامل ریسک و بازده، ابزارها و بازارهای مختلف آشنایی دارم.	مدیریت سرمایه گذاری
شرح سوال	اخلاقیات (ML)
در محیط کار با همکاران و مدیران با ادب و رفتار محترمانه برخورد می‌کنم و به حفظ فرهنگ سازمانی پایبندم.	ادب و رعایت فرهنگ سازمانی
از اهمیت مسئولیت‌پذیری اجتماعی و محیطی در محل کارم آگاهی دارم و در راستای آن تلاش می‌کنم.	اهمیت اجتماعی و محیطی
در مواجهه با مشکلات و چالشهای کاری به راستی خواهی و انصاف پایبندم و تهیه گزارشات خود از راستی خواهی و امانت‌داری پیروی می‌کنم.	راستی خواهی در کار
همیشه کارها و وظایف خود را با دقت و پیش بینی انجام می‌دهم و سعی می‌کنم به موقع و مطابق با مقررات موجود باشم.	پیروی از قوانین و مسئولیت‌ها
شرح سوال	فرهنگ سازمانی (OC)
از ارتقاء فرهنگ راستی خواهی و شفافیت در محیط کار حمایت می‌کنم.	راستی خواهی سازمانی
مسئولیت‌پذیری و اصول اخلاق کاری را در محیط کار ترویج می‌کنم.	اخلاق کاری

پایداری محیطی	در جلوگیری از آلودگی محیطی و انجام رفتارهای مسئولانه در سازمان متعهد هستیم.
مؤلفه	شرح سوال
گشودگی (<i>Openness</i>) برون گرایی (<i>Extraversion</i>) روان نژادی (<i>Neuroticism</i>) سازگاری (<i>Agreeableness</i>) وجدان و مسئولیت پذیری (<i>Conscientiousness</i>)	به آسانی می توانم خود را با تغییرات جدید در محیط کار و ورود به کسب و کارهای نوآورانه تطبیق دهم. در محیط کار به راحتی با همکاران و افراد جدید ارتباط برقرار می کنم. تحت تاثیر استرس و فشارهای روزمره در محیط کار قرار می گیرم. در تعامل با دیگران به صورت مثبت و صمیمی رفتار می کنم و در برخورد با اختلافات و مسائل بین فردی به نحوی که مشکلات کمتری به وجود آید، رفتار می کنم. قبل از انجام کارها برنامه ریزی می کنم و مسئولیت کارهایم را تماماً به عهده می گیرم.

برای بررسی پایایی سوالات پرسشنامه از ضرایب آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول (۲) نشان داده شده است.

جدول (۲) ضرایب آلفای کرونباخ

ردیف	متغیر	تعداد سوالات	آلفای کرونباخ هر پرسشنامه	آلفای کرونباخ کل سوالات
۱	PC	۵	۰/۷۹۷	۰/۸۵۴
۲	FL	۴	۰/۷۳۹	
۳	ML	۴	۰/۸۳۰	
۴	OC	۳	۰/۷۸۰	
۵	PFM	۶	۰/۸۷۱	

نتایج جدول (۲) نشان می دهد که ضریب آلفای کرونباخ سوالات پژوهش بیشتر از ۰/۷ می باشد بنابراین پایایی پرسشنامه از سطح مطلوبی برخوردار است.

یافته های پژوهش

آمار جمعیت شناختی پژوهش به صورت جدول (۳) است. همانطور که مشخص است از مجموع ۳۳۹ پاسخ دهنده، ۲۲۶ نفر مرد و ۱۱۳ نفر زن بوده اند. مردهای کمتر از سن ۳۰ سال شامل ۵۶ نفر و زن ها ۳۰ نفر هستند. لازم به ذکر است که بیشترین افراد پاسخ دهنده از نظر سن شامل مردهای بالای ۵۰ سال است. این موضوع نشان می دهد که احتمالاً مدیران عامل، مدیران مالی و رؤسای حسابداری شامل افراد باتجربه هستند. البته این نکته نیز حائز اهمیت است که احتمالاً در بخش مالی از افراد بازنشسته سایر سازمان ها استفاده می شود. از نظر تحصیلات نیز بیشترین جمعیت مربوط به مردها با مدرک فوق لیسانس است که تعداد ۸۰ نفر را نشان می دهد.

جدول (۳) آمار جمعیت شناختی

جدول متقاطع	سن					تحصیلات				
	<۳۰	۳۰-۴۰	۴۰-۵۰	> ۵۰	جمع	فوق دیپلم و دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس	دکتری	جمع
مرد	۵۶	۴۳	۵۰	۷۷	۲۲۶	۵۶	۶۶	۸۰	۲۹	۲۳۱
زن	۳۱	۴۲	۲۶	۱۴	۱۱۳	۲۳	۳۷	۳۰	۱۸	۱۰۸

مجموع	۸۷	۸۵	۷۶	۹۱	۳۳۹	۷۹	۱۰۳	۱۱۰	۴۷	۳۳۹
-------	----	----	----	----	-----	----	-----	-----	----	-----

آمار توصیفی هر یک از گویه‌ها در جدول (۴) نشان داده شده است. این آمار مربوط به حداقل، حداکثر، میانگین و انحراف معیار گویه‌های پژوهش می‌باشد.

جدول (۴) آمار توصیفی گویه‌های پژوهش

نماد	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
PC1	۳۳۹	۱	۵	۳/۹۷	۰/۷۷۰
PC2	۳۳۹	۲	۵	۴/۱۲	۰/۸۱۱
PC3	۳۳۹	۱	۵	۴/۱۴	۰/۷۸۷
PC4	۳۳۹	۱	۵	۳/۶۳	۱/۱۸۶
PC5	۳۳۹	۱	۵	۴/۰	۰/۹۳۳
FL1	۳۳۹	۱	۵	۳/۹۸	۱/۰۲۹
FL2	۳۳۹	۱	۵	۳/۸۰	۱/۰۸۰
FL3	۳۳۹	۲	۵	۴/۲۳	۰/۷۶۸
FL4	۳۳۹	۱	۵	۴/۲۳	۰/۸۵۴
ML1	۳۳۹	۱	۵	۳/۶۳	۱/۱۱۳
ML2	۳۳۹	۲	۵	۳/۸۹	۰/۹۶۰
ML3	۳۳۹	۱	۵	۴/۰۹	۰/۹۰۹
ML4	۳۳۹	۱	۵	۳/۱۱	۱/۰۰۸
OC1	۳۳۹	۲	۵	۴/۲۰	۰/۸۲۴
OC2	۳۳۹	۱	۵	۳/۸۱	۱/۰۱۵
OC3	۳۳۹	۱	۵	۳/۵۶	۱/۱۴۳
PFM1	۳۳۹	۱	۵	۳/۴۱	۰/۹۹۴
PFM2	۳۳۹	۲	۵	۴/۰۸	۰/۷۵۴
PFM3	۳۳۹	۱	۵	۴/۱۲	۰/۸۹۷
PFM4	۳۳۹	۲	۵	۴/۳۰	۰/۶۸۳
PFM5	۳۳۹	۲	۵	۴/۱۲	۰/۷۶۲
PFM6	۳۳۹	۱	۵	۴/۱۰	۰/۹۱۶

در جدول (۴) مشخص است بیشترین میانگین مربوط به گویه *PFM4* و کمترین میانگین مربوط به *ML4* می‌باشد. بیشتر گویه‌ها دارای حداقل مقدار ۱ و تمامی گویه‌ها دارای مقدار حداکثری ۵ است. نکته قابل توجه مقدار انحراف معیار گویه‌های پژوهش است. با توجه به اینکه مقدار انحراف معیار گویه‌های پژوهش بین مقدار ± 2 می‌باشد می‌توان نتیجه گرفت که متغیرهای پژوهش نرمال هستند.

برای مشخص کردن اینکه آیا تعداد داده‌های پژوهش از منظر اندازه نمونه و رابطه بین متغیرها برای تحلیل عاملی مناسبند یا خیر از شاخص *KMO* و آزمون بارتلت استفاده گردید. نتایج این آزمون‌ها در جدول (۵) نشان داده شده است.

جدول (۵) نتایج بررسی کفایت مدل و آزمون *KMO*

نام شاخص	تعداد سوالات	درجه آزادی	معناداری آزمون بارتلت	<i>KMO</i>
ویژگی‌های شخصیتی	PCI-PC5	۱۰	۰/۰۰۰۰	۰/۷۲۵
سواد مالی	FL1-FL4	۶	۰/۰۰۰۰	۰/۷۱۷

۰/۷۱۲	۰/۰۰۰۰	۶	ML1-ML4	اخلاقیات
۰/۷۹۷	۰/۰۰۰۰	۳	OCI-OC3	فرهنگ سازمانی
۰/۷۹۷	۰/۰۰۰۰	۱۵	PFM1-PFM6	جلوگیری از سوء مدیریت مالی
۰/۷۹۸	۰/۰۰۰۰	۲۳۱	۱ تا ۲۲	کل سوالات

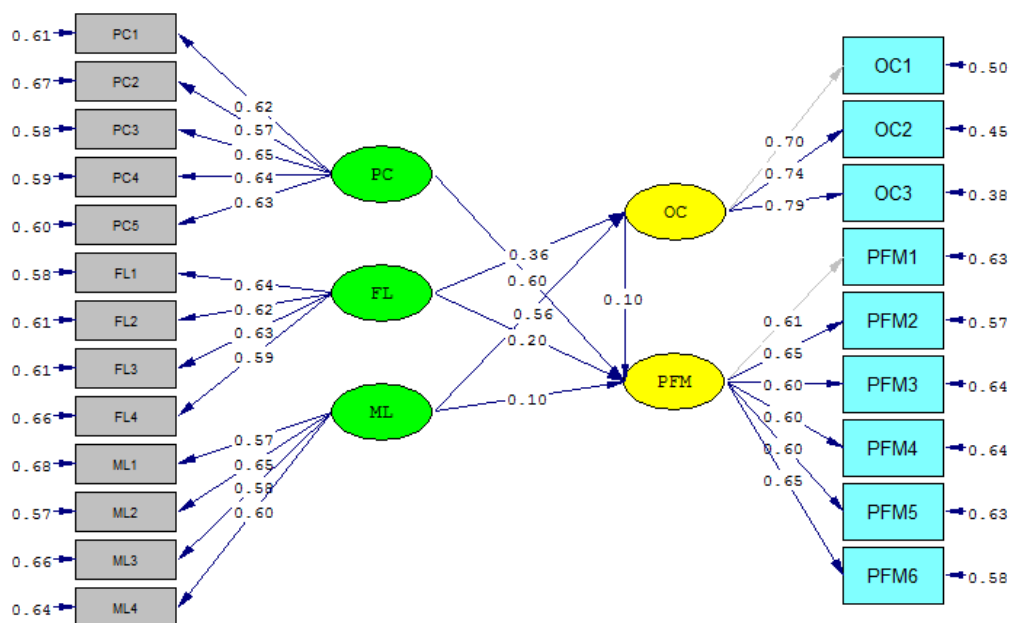
همانطور که در جدول بالا مشاهده می‌شود با توجه به اینکه شاخص *KMO* بیشتر از ۰/۷ است پس کیفیت مدل تایید می‌شود و داده‌های برای تحلیل عاملی مناسب هستند.

جدول (۶) نشان‌دهنده مقادیر اشتراک^{۲۸} هر متغیر است و نسبتی از واریانس هر متغیر را بیان می‌کند که توسط عامل‌های مشترک به حساب می‌آیند. طبق این جدول با توجه به اینکه بارهای عاملی بیشتر ۰/۴ هستند در مدل باقی می‌مانند.

جدول (۶) مقادیر اشتراکات سوالات پرسشنامه

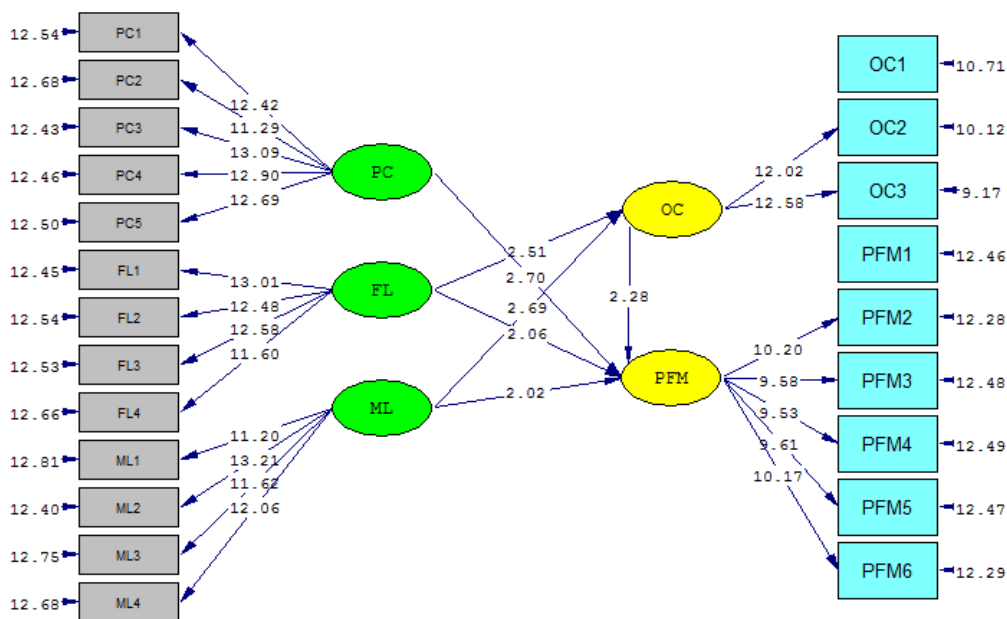
مقدار به اشتراک گذاشته شده بعد از عامل بندی شدن	مقدار به اشتراک گذاشته شده قبل از عامل بندی شدن	سوالات پرسشنامه
۰/۵۸۸	۱	سوال ۱
۰/۶۸۱	۱	سوال ۲
۰/۶۲۳	۱	سوال ۳
۰/۴۲۷	۱	سوال ۴
۰/۷۰۰	۱	سوال ۵
۰/۶۲۹	۱	سوال ۶
۰/۵۰۴	۱	سوال ۷
۰/۶۶۳	۱	سوال ۸
۰/۷۶۰	۱	سوال ۹
۰/۶۶۶	۱	سوال ۱۰
۰/۶۵۲	۱	سوال ۱۱
۰/۷۱۱	۱	سوال ۱۲
۰/۵۵۹	۱	سوال ۱۳
۰/۶۱۰	۱	سوال ۱۴
۰/۷۰۱	۱	سوال ۱۵
۰/۶۹۶	۱	سوال ۱۶
۰/۴۹۹	۱	سوال ۱۷
۰/۷۵۲	۱	سوال ۱۸
۰/۸۰۰	۱	سوال ۱۹
۰/۶۵۷	۱	سوال ۲۰
۰/۶۶۹	۱	سوال ۲۱
۰/۷۷۰	۱	سوال ۲۲

پس از اینکه مشخص شد تمامی گویه‌ها این قابلیت را دارند که در مدل وارد شوند اقدام به اجرای مدل معادلات ساختاری می‌شود. در شکل‌ها (۱) و (۲) ضرایب استاندارد شده و مقادیر *t* آمده است.



Chi-Square=484.37, df=200, P-value=0.0654, RMSEA=0.065

شکل (۱) ضرایب اساندارد شده مدل



Chi-Square=484.37, df=200, P-value=0.0654, RMSEA=0.065

شکل (۲) مقادیر t مدل پژوهش

شکل (۱) ضرایب استاندارد شده را نشان می‌دهد. ویژگی‌های شخصیتی با ضریب ۶۰٪ بر روی پیشگیری از سوء مدیریت مالی تأثیرگذار است. همچنین ضریب سواد مالی بر روی فرهنگ سازمانی ۳۶٪ و از فرهنگ سازمانی تا پیشگیری از سوء مدیریت مالی ۱۰٪ می‌باشد. در شکل (۲) مقادیر t متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه تمامی مقادیر از نقطه ۱/۹۶ بیشتر است تمام فرضیه‌های پژوهش مورد تایید قرار می‌گیرد.

آماره‌های برازش مدل در شکل‌های (۱) و (۲) نشان‌دهنده مطلوب بودن کلی مدل می‌باشد. به عنوان مثال آماره کای دو تقسیم بر درجه آزادی $2/42$ می‌باشد که در بازه مجاز ۱ تا ۳ قرار دارد. همچنین سطح معناداری بیشتر از ۵٪ و شاخص $RMSEA$ کمتر از ۸٪ است که بیانگر مطلوب بودن برازش کلی مدل است.

نتیجه‌گیری

فرضیه اول پژوهش بیان می‌کند که ویژگی‌های شخصیتی بر پیشگیری از سوء مدیریت مالی تأثیر معناداری دارد. این نتایج ممکن است به این دلیل باشد که ویژگی‌های شخصیتی مانند انضباط، صداقت و تعهد به اخلاقیات در اجرای وظایف مالی بسیار مهم می‌باشد. افرادی که ویژگی‌های مثبت شخصیتی دارند، احتمالاً در اجرای وظایف مالی با دقت بیشتری عمل می‌کنند و از موارد مخرب مانند فراموشی یا تقلب در مدیریت مالی جلوگیری می‌کنند. علاوه بر این، ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند تأثیر مثبتی بر فرهنگ سازمانی داشته باشد. افراد با ویژگی‌های شخصیتی مثبت ممکن است به عنوان نمونه‌های اخلاقی در سازمان شناخته شوند که می‌تواند به تعدیل فرهنگ سازمانی به سمت اخلاقی شدن کمک کند. در نتیجه تأکید بر ارتقای ویژگی‌های شخصیتی اعضای سازمان، می‌تواند به پیشگیری از سوء مدیریت و بهبود فرهنگ سازمانی کمک کند.

یکی از نظریاتی که می‌تواند در توجیه تأثیر ویژگی‌های شخصیتی بر پیشگیری از سوء مدیریت مالی و تعدیل فرهنگ سازمانی مفید باشد، نظریه اخلاقی طراحی شده توسط آلبرت باندورا^{۲۹} می‌باشد. این نظریه بر این اصل تأکید دارد که افراد می‌توانند رفتارهای نامناسب خود را از طریق مکانیزم‌های روانی خود تبرید کنند و عواقب اخلاقی آن را پنهان کنند. به عنوان مثال افراد با ویژگی‌های شخصیتی مثبت ممکن است دارای انضباط و اختیار شخصی برای جلوگیری از تغییر نگرش به اخلاقیات باشند. آن‌ها ممکن است در مواجهه با فرصت‌های مالی نادرست، از رفتارهای نامناسب خودداری کرده و در مسیر اخلاقی حرکت کنند.

فرضیه دوم پژوهش ادعان دارد که سواد مالی بر پیشگیری از سوء مدیریت مالی تأثیر معناداری دارد. این نتیجه می‌تواند به تغییرهای متعددی منجر شود.

آگاهی از مسائل مالی: افرادی که دارای سواد مالی هستند اغلب بهترین تصمیمات مالی را برای خود و سازمانهای خود اتخاذ می‌کنند. آن‌ها توانایی درک و تجزیه و تحلیل مسائل مالی را دارند و به تدابیر پیشگیرانه علیه سوء مدیریت مالی پرداخته و از وقوع آن جلوگیری می‌کنند.

تصمیم‌گیری مسئولانه: سواد مالی می‌تواند تأثیر مستقیمی بر تصمیم‌گیری‌های مالی مسئولین سازمان‌ها داشته باشد. این افراد با اطلاعات کافی در مورد مسائل مالی، تصمیم‌های مسئولانه‌تری اتخاذ می‌کنند و از رفتارهای نادرست مالی جلوگیری می‌کنند.

افزایش اعتماد: داشتن سواد مالی می‌تواند به افراد اعتماد بیشتری در معاملات مالی و تعاملات مالی داشته باشند. این اعتماد می‌تواند به انتقال اطلاعات مهم در سازمانها و جلوگیری از فساد مالی کمک کند.

تأیید فرضیه دوم نشان می‌دهد که ارتقای سواد مالی افراد و مدیران سازمان‌ها می‌تواند یکی از ابزارهای مؤثر در پیشگیری از سوء مدیریت مالی باشد و در بهبود مدیریت مالی و اخلاقیات سازمان‌ها نقش مهمی ایفا کند. نظریه‌ای که می‌تواند تفسیر فرضیه دوم را پشتیبانی کند نظریه سواد مالی و تصمیم‌گیری است. این نظریه مدعی است که افزایش سواد مالی افراد می‌تواند به بهبود تصمیم‌گیری‌های مالی و پیشگیری از ریسک‌های مالی کمک کند.

فرضیه سوم پژوهش بیان می‌کند که اخلاقیات تأثیر معناداری بر پیشگیری از سوء مدیریت مالی دارد. این فرضیه بر نقش اخلاقیات بر تصمیمات مالی تأکید می‌کند. تأیید شدن این فرضیه نشان می‌دهد که اخلاقیات و اصول اخلاقی، تصمیم‌گیری‌های افراد و مدیران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. افرادی که به اصول اخلاقی پایبندی دارند، اغلب تمایل دارند تصمیمات مالی مسئولانه‌تری اتخاذ کنند و از رفتارهای نادرست مالی جلوگیری کنند، به طور کلی سازمان‌هایی که به اصول اخلاقی و ارزش‌های اخلاقی پایبند هستند، عمده‌تاً در مواجهه با تهدیدهای مدیریت مالی نادرست توانمندی بیشتری نیز دارند. این ادعا از طریق تئوری اخلاق کاری پشتیبانی می‌شوند. این نظریه تأکید دارد که اخلاقیات و اصول اخلاقی در محیط کار و مدیریت مالی نقش مهمی را ایفا می‌کند.

فرضیه چهارم پژوهش نقش تعدیلی فرهنگ سازمانی را در رابطه بین اخلاقیات و پیشگیری از سوء مدیریت مالی را بیان می‌کند. تأیید این فرضیه نشان می‌دهد که فرهنگ سازمانی در تعامل با عوامل دیگر مانند اخلاقیات، نقش تعدیل‌کننده داشته باشد. این بدین معناست که نحوه نهادینه‌سازی اصول اخلاقی در سازمان و توسعه فرهنگ اخلاقی ممکن است تحت تأثیر فرهنگ سازمانی باشد. همچنین تأیید این فرضیه نشان می‌دهد که اخلاقیات در سیاق فرهنگ سازمانی قرار می‌گیرد. یعنی اصول اخلاقی در فرهنگ سازمانی تعدیل می‌شود و به شکلی تطابقی با اهداف و ارزش‌های سازمانی اجراء می‌شود. این ادعا مبتنی بر نرم‌افزار سازمانی است، این نظریه تأکید دارد که فرهنگ سازمانی می‌تواند نقش نرم‌افزاری را عمل کند که رفتار و تصمیمات اعضاء سازمان را تنظیم می‌کند.

فرضیه پنجم بیان می‌کند که فرهنگ سازمانی رابطه بین سواد مالی و پیشگیری از سوء مدیریت مالی را تعدیل می‌کند. تأیید این فرضیه نشان می‌دهد که فرهنگ سازمانی می‌تواند نقش مهمی در تعزیر سواد مالی اعضاء سازمان داشته باشد. افرادی که در سازمان‌هایی با فرهنگ اخلاقی و مالی مثبت کار می‌کنند، ممکن است در تصمیم‌گیری‌های مالی مسئولانه‌تر عمل کنند. این ادعا مبتنی بر نظریه تعاملات بین فرهنگی می‌باشد. این نظریه تأکید دارد که تعاملات بین فرهنگی می‌توانند نقش مهمی در تأثیرگذاری بر نگرش‌ها و رفتارهای افراد داشته باشند.

باتوجه به نتایج فرضیه اول پژوهش، سازمان‌ها باید به توسعه و ارتقاء ویژگی‌های شخصیتی کارکنان خود، توجه ویژه‌ای داشته باشند. برای این منظور اقدامات زیر مفید است:

۱- آموزش و توسعه شخصیتی: برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی برای کارکنان به منظور تقویت ویژگی‌های شخصی مانند انضباط، تعهد، صداقت و مسئولیت‌پذیری. این دوره‌ها می‌توانند به کارکنان کمک کنند تا اختیارات اخلاقی بیشتری داشته باشند.

۲- ارزیابی و بازخورد: ارزیابی منظم کارکنان از نظر ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی می‌تواند به افراد کمک کند تا به نقاط قوت و ضعف خود آگاه شوند و تلاش برای بهبود اختیارات اخلاقی خود را داشته باشند.

۳- فرهنگ سازمانی اخلاقی: ترویج و اعمال یک فرهنگ سازمانی اخلاقی و شفاف که از اهمیت و ارزش‌های اخلاقی در تصمیم‌گیری‌ها و اجراهای مالی تأکید می‌کند، می‌تواند باعث تقویت اختیارات اخلاقی کارکنان شود.

۴- پاداش و تشویق: ایجاد سیستم پاداش‌دهی بر اساس عملکرد اخلاقی و پیشگیری از سوء مدیریت مالی نادرست، می‌تواند افراد را به تحقق اختیارات اخلاقی ترغیب نماید.

باتوجه به نتایج فرضیه دوم پژوهش، سازمان‌ها باید به توسعه و ارتقاء سواد مالی کارکنان خود، توجه ویژه‌ای داشته باشند. برای این منظور اقدامات زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱- ارتقای سواد مالی کارکنان: سازمان‌ها می‌توانند برنامه‌های آموزشی منظم برای کارکنان خود شامل جلسات آموزشی، دوره‌های آنلاین و منابع آموزشی در زمینه سواد مالی بپردازند.

۲- ارزیابی سواد مالی: ارزیابی سواد مالی کارکنان و مدیران به منظور شناخت نقاط ضعف و توانمندی‌های آنان می‌تواند تأثیرگذار باشد.

۳- ایجاد انگیزه مالی: تشویق کارکنان به اتخاذ تصمیمات مالی مسئولانه و پیشگیرانه از طریق برنامه‌های پاداشی و انگیزشی می‌تواند تأثیرگذار باشد.

با توجه به آزمون فرضیه سوم پیشنهاد زیر ارائه می‌گردد:

۱- سازمان‌ها می‌توانند اصول اخلاقی را با انگیزه‌ها و پاداش مالی ترکیب نمایند. این انگیزه‌ها و پاداش‌ها ممکن است براساس رفتارهای اخلاقی و پیشگیرانه تعیین شود تا افراد ترغیب به رفتار مسئولانه‌تر داشته باشند.

۲- توصیه کدهای اخلاقی: تدوین و ارتقاء کدهای اخلاقی سازمانی می‌تواند به ترویج اصول اخلاقی در سازمان‌ها کمک کند، این کدها می‌تواند شامل دستورالعمل‌ها و مقرراتی باشند که تصمیم‌گیری‌های مالی را باتوجه به اصول اخلاقی تنظیم کنند.

باتوجه به نتایج آزمون فرضیه چهارم پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد.

- ۱- تطابق فرهنگ اخلاقی با اصول سازمانی، سازمان‌ها باید به تطابق اصول اخلاقی خود با اصول و ارزش‌های سازمانی توجه کنند. این تطابق میتواند منجر به ارتقاء توجه به اخلاقیات در سیاق فرهنگ سازمانی شود.
- ۲- توسعه اصول اخلاقی به عنوان بخشی از فرهنگ: پیشنهاد می‌شود سازمانها اصول اخلاقی را به عنوان بخشی از فرهنگ سازمانی خود توسعه دهند. این توسعه میتواند منجر به تدوین مقررات و دستورالعمل‌های اخلاقی در سازمان‌ها شوند. باتوجه به نتایج آزمون فرضیه پنجم، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد.
- ۱- ترویج دیدگاههای مثبت فرهنگی: ترویج دیدگاه‌ها و ارزش‌های مثبت فرهنگی که به تعزیر سواد مالی و اخلاق مثبت مسئولانه منجر می‌شود. این ترویج ممکن است با تعاملات بین فرهنگی در سازمان هماهنگ شود.
- ۲- ارتقاء تعاملات بین فرهنگی: به معنای ایجاد فرصت‌های بیشتری برای تعاملات بین فرهنگی در سازمان که می‌تواند به تعدیل تأثیر سواد مالی بر پیشگیری از سوء مدیریت مالی کمک کند. با توجه به بررسی صورت گرفته در این مطالعه پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی به صورت زیر است.
- ۱- بررسی تأثیر ویژگی‌های شخصیتی مانند ریسک‌پذیری، صداقت، تعهد و ارتباط آن با پیشگیری از سوء مدیریت مالی در فرهنگ‌های مختلف.
- ۲- مطالعه مقایسه‌ای بین صنایع مختلف از نظر پیشگیری از سوء مدیریت مالی.
- ۳- بررسی تأثیر سواد مالی کارکنان بر عملکرد مالی سازمان‌ها با در نظر گرفتن عوامل شناختی.
- ۴- بررسی مؤلفه‌های مهم سواد مالی (آموزش، تجربیات مالی و ویژگی‌های شخصیتی) در پیشگیری از سوء مدیریت مالی. تأثیر اخلاقیات بر معیارهای عملکرد سازمانی و سوء مدیریت مالی.

منابع و مراجع

- [1] Ariall, D. L., & Crumbley, D. L. (2016). Fraud triangle and ethical leadership perspective on detecting and preventing academic research misconduct. *Journal of Forensic and Investigative Accounting*, 8(3), 480–500. <https://s3.amazonaws.com/web.nacva.com/JFIA/Issues/JFIA-2016-No3-6.pdf>.
- [2] Balan, D. J., & Knack, S. (2012). The correlation between human capital and morality and its effect on economic performance: theory and evidence. *Journal of Comparative Economics*, 40(3), 457–475. <https://doi.org/10.1016/j.jce.2011.12.005>.
- [3] Ekayani, N. N. S., Sara, I. M., Sariyani, N. K., Jayawarsa, A. A. K., & Saputra, K. A. K. (2020). Implementation of good corporate governance and regulation of the performance of micro-financial institutions in the village. *Journal of Advanced Research in Dynamical and Control Systems*, 12(7), 1–7. <https://doi.org/10.5373/JARDCS/V12I7/20201977>.
- [4] Fernandes, D., Lynch, J. G., Jr, & Netemeyer, R. G. (2014). Financial literacy, financial education, and downstream financial behaviors. *Management Science*, 60(8), 1861–1883. <https://doi.org/10.1287/mnsc.2013.1849>.
- [5] Fernandhytia, F., Muslichah, & Muslichah, M. (2020). The effect of internal control, individual morality and ethical value on accounting fraud tendency. *Media Ekonomi Dan Manajemen*, 35(1), 112–127. <https://doi.org/10.24856/mem.v35i1.1343>.
- [6] Ghazali, M. Z., Rahim, M. S., Ali, A., & Abidin, S. (2014). A preliminary study on fraud prevention and detection at the state and local government entities in Malaysia. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 164(August), 437–444. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.11.100>.
- [7] Groen, B. A. C., Wouters, M. J. F., & Wilderom, C. P. M. (2017). Employee participation, performance metrics, and job performance: A survey study based on self-determination theory. *Management Accounting Research*, 36, 51–66. <https://doi.org/10.1016/j.mar.2016.10.001>.
- [8] Hodges, K. E., & Sulmasy, D. P. (2013). Moral Status, Justice, and the Common Morality: Challenges for the Principlist Account of Moral Change. *Kennedy Institute of Ethics Journal*, 23(3), 275–296. <https://doi.org/10.1353/ken.2013.0011>.
- [9] Horomnea, E., & Pașcu, A. (2012). Ethical and morality in accounting epistemological approach. *Journal of Eastern Europe Research in Business & Economics*, 2012, 1–11. <https://doi.org/10.5171/2012.405721>.
- [10] Jones, C. (2003). Theory after the Postmodern Condition. *Organization*, 10(3), 503–525.
- [11] <https://doi.org/10.1177/13505084030103009>.
- [12] Knechel, W. R. (2007). The business risk audit: Origins, obstacles and opportunities. *Accounting, Organizations and Society*, 32(4–5), 383–408. <https://doi.org/10.1016/j.aos.2006.09.005>.
- [13] Lidyah, R. (2018). Islamic corporate governance, IslamiCity financial performance index and fraud at Islamic Bank. *Jurnal Akuntansi*, 22(3), 437. <https://doi.org/10.24912/ja.v22i3.398>.
- [14] Majid, R. A., Mohamed, N., Haron, R., Omar, N. B., & Jomitin, B. (2014). Misappropriation of assets in local authorities: A challenge to good governance. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 164 (August), 345–350. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S1877042814059060>.
- [15] Maria, T. D., & Bleotu, V. (2014). Modern trends in higher education funding. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 116, 2226–2230. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.01.548>.
- [16] Morgan, P. J., & Long, T. Q. (2020). Financial literacy, financial inclusion, and savings behavior in laos. *Journal of Asian Economics*, 68, 101197. <https://doi.org/10.1016/j.asieco.2020.101197>.
- [17] Nezakati, H., Moghadas, S., Aziz, Y. A., Amidi, A., Sohrabinezhadtalemi, R., & Jusoh, Y. Y. (2015). Effect of behavioral intention toward choosing green hotels in Malaysia – preliminary study. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 172, 57–62. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.01.335>.
- [18] Phornlaphatrachakorn, K., & Peemancee, J. (2020). Integrated performance measurement as a strategic management accounting approach: A case of beverage businesses in Thailand. *The Journal of Asian Finance, Economics and Business*, 7(8), 247–257. <https://doi.org/10.13106/JAFEB.2020.VOL7.NO8.247>.

- [19] Popoola, O. M. J., Che-Ahmad, A. B., Samsudin, R. S., Salleh, K., & Babatunde, D. A. (2016). Accountants' Capability Requirements for Fraud Prevention and Detection in Nigeria. *International Journal of Economics and Financial Issues*, 6(4), 1-10.
https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2807837.
- [20] Saputra, K. A. K., Subroto, B., Rahman, A. F., & Saraswati, E. (2020). Issues of Morality and Whistleblowing in Short Prevention Accounting. *International Journal of Innovation, Creativity and Change*, 12(3), 77-88. https://ijicc.net/images/vol12/iss3/12314_Saputra_2020_E_R.pdf.
- [21] Starr, K. W. (2005). Morality, Community, and the Legal Profession. *Wyoming Law Review*, 5(2), 403-415.
<https://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/wylr5&div=18&id=&page>.
- [22] Stolper, O. A., & Walter, A. (2017). Financial Literacy, Financial Advice, and Financial Behavior. *Journal of Business Economics*, 87(5), 581-643. <https://doi.org/10.1007/s11573-017-0853-9>.
- [23] Suebvises, P. (2018). Social Capital, Citizen Participation in Public Administration, and Public Sector Performance in Thailand. *World Development*, 109, 236-248.
<https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2018.05.007>.
- [24] Sujana, E., & Saputra, K. A. K. (2020). Fraud Detection and Prevention Methods: Inspector's Auditor's Perception in Bali. *Journal of Advance Research in Dynamical and Control System*, 12(4), 8-16.
<https://doi.org/10.5373/JARDCS/V12I4/20201413>.
- [25] Taft, M. K., Hosein, Z. Z., Mehrizi, S. M. T., & Roshan, A. (2013). The Relation between Financial Literacy, Financial Wellbeing and Financial Concerns. *International Journal of Business and Management*, 8 (11), 63. <https://doi.org/10.5539/ijbm.v8n11p63>.
- [26] Uzun, A. M., & Kilis, S. (2020). Investigating Antecedents of Plagiarism using Extended Theory of Planned Behavior. *Computers and Education*, 144(January), 103700.
<https://doi.org/10.1016/j.compedu.2019.103700>.